

Modern Spiritual Sectarianism: The Influence of Nursî's Mysticism on Islamism in Turkey

Hafez Ghader¹

Hadi Vakili²

Seyed Mohammad Mahdi Hosseinpoor³

Reza Elahimanesh⁴

(Received on: 2020-6-2; Accepted on: 2020-11-21)

Abstract

In examining newly emerged mysticisms and mystical thoughts in the Islamic world, a challenging issue is the negative relationship often perceived between mysticism and politics. However, some states and movements throughout Islamic history have had a mystical structure and nature. Scholars like Javad Tabatabai and Abdolkarim Soroush offer differing theories on this relationship. An example of a positive relationship between mysticism and politics is found in the social Islam of Turkey, where this theory influences the Turkish government. This movement is significantly impacted by Naqshbandi and Nursi mysticism. This political-social movement, influenced by mystical perspectives, emphasizes elements such as the unity of the Islamic world, the civilizational model of Islam, a positive approach to the achievements of Western civilization, the prominent role of the social aspects of Islam, the provision of services and utilities to people, a moderate interpretation of Islam, cultural Islam, fighting ignorance and division through education, and tolerance towards religious minorities. The connecting point between the mystical view and the Islamic perspective is the ideas of Fethullah Gülen. By adopting a pragmatic approach, Gülen endeavors to utilize both hard and soft power tools to offer a moderate interpretation of Islam. This research employs an analytic-descriptive method to examine and analyze the influence of Nursi mysticism on Islam in Turkey in terms of modern spiritual sectarianism.

Keywords: mysticism, Naqshbandi, Nursi order, social Islam, Fethullah Gülen, Islamism.

1. Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (corresponding author). Email: azali.1478@gmail.com

2. Associate Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. Email: drhvakili@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Theological Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: smm.hosseinpoor@urd.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Sufism and Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: elahimanesh@urd.ac.ir

فرقه‌گرایی جدید معنوی (با محوریت تأثیر عرفان نورسی بر اسلام‌گرایی ترکیه)

قادر حافظ^۱، هادی وکیلی^۲، سید محمد مهدی حسین پور^۳، رضا الهی منش^۴

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱]

چکیده

در بررسی عرفان‌های نوظهور و اندیشه‌های مطرح آنها در دنیای اسلام، رابطه سلبی میان عرفان و سیاست همواره یکی از مباحث چالش‌برانگیز به شمار می‌آید؛ درحالی‌که برخی از دولت‌ها و جنبش‌ها در تاریخ اسلام، ساختار و ماهیتی عرفانی دارند و برخی دیگر نیز نظری متفاوت همانند جواد طباطبایی و عبدالکریم سروش را ارائه می‌کنند. از جمله این ارتباط ایجابی می‌توان به اسلام ترکیه (اسلام اجتماعی) اشاره کرد که امروزه نیز این نظریه در قالب دولت در ترکیه حکم‌فرمایی می‌کند. این جنبش به شدت تحت تأثیر عرفان نقشبندی و نورسیه است. این جریان سیاسی - اجتماعی با تأکید بر مؤلفه‌هایی همچون توجه بر اتحاد جهان اسلام و الگوی تمدنی اسلام، رویکرد مثبت به دستاوردهای تمدن غرب، نقش پررنگ ابعاد اجتماعی اسلام، توجه به خدمت و رساندن منفعت به مردم، قرائت میانه‌روانه و متساهلانه از اسلام، تأکید بر اسلام فرهنگی، مبارزه با جهل و تفرقه با تأکید بر آموزش و تساهل به اقلیت‌های مذهبی، به شدت متأثر از دیدگاه‌های عرفانی است. نقطه اتصال دیدگاه عرفانی با دیدگاه اسلامی، اندیشه‌های آقای گولن است؛ ایشان با رویکردی عمل‌گرایانه می‌کوشد با استفاده از ابزارهای قدرت (سخت‌افزار و نرم‌افزار)، برداشتی ملایم از آموزه‌های اسلام به دست دهد. در این پژوهش کوشیده شده است با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، تأثیر عرفان نورسی بر اسلام‌گرایی ترکیه در قالب فرقه‌گرایی جدید معنوی بررسی و تحلیل شود. **کلیدواژه‌ها:** عرفان، نقشبندی، طریقت نورسیه، اسلام اجتماعی، فتح‌الله گولن، اسلام‌گرایی.

۱. استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) azali.1478@gmail.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران drhvakili@gmail.com

۳. استادیار گروه مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران smm.hosseinpoor.ac.ir

۴. استادیار گروه تصوف و عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران Elahimanesht@urd.ac.ir

مقدمه

از جمله مسائل محل نزاع بین عرفان اصیل اسلامی و عرفان صوفیانه، تعامل و سازگاری یا تضاد و تباین و ناسازگاری عرفان و سیاست است؛ به این معنا که برخی معتقدند: «عرفان یک مقوله‌ی رازمدارانه و سرّورزانه و متعلّق به عالم معنا و مقام حیرت و هیمن است و سیاست از سنخ عالم ماده و دنیا و اجتماع و هشیاری است، لذا هیچ رابطه‌ی سازگارانه و آشتی‌مدارانه با هم ندارند. برخی رابطه‌ی این دورا در "عدم رابطه" با هم جستجو و تبیین می‌نمایند و در مقابل، برخی نیز بر این باورند که از حیث معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی تباین و تضاد بین عرفان و سیاست نخواهد بود؛ زیرا مهم این است که ما هر کدام از این دورا چه معنایی می‌کنیم و چه تصویر و تفسیری در ذهن خویش داریم. اگر عرفان را منقطع از عالم و آدم و جامعه و جهان و یک پدیده‌ی کاملاً تجرّدی و آسمانی معنا کنیم و از این معنا خلوت‌گزینی و انزواگرایی و درون‌گرایی صرف و در خود فرورفتن؛ و عارفان را کسانی بدانیم که با هیچ احدی ارتباط نداشته و کاری به جامعه و جهانی که در آن زندگی می‌کنند ندارند، شناخته باشیم و سیاست را یک مقوله‌ی کاملاً این‌جهانی، مادیت‌محورانه و دنیازدگانه و سیاست‌مداران را فارغ از معنا و روحانیت و دور از حقیقت و رازهای هستی بشناسیم. آری، چنین رهیافتی از عرفان و سیاست هیچ آشتی و هم‌گرایی با هم ندارند و بلکه یکی ضد دیگری است. یکی از مهم‌ترین مشکلات تفکرات سیاسی در تاریخ ایران اسلامی که به خودداری و تولید اندیشه در اجتماع و سیاست معطوف گشته است، سایه سنگین و بلند اندیشه‌های عرفانی می‌باشد» (کمالیان و صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۴: ص ۱۵۲).

در دیگر اندیشه‌ها در جهان اسلام نیز این مهم مطرح است که یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین آنها، ترکیه و اندیشه‌های سیاسی - اسلامی مطرح در آن است. آرای عرفانی نورسی و جایگاه مهم این آرا در جامعه ترکیه سبب شد طریقت نورسیه در ترکیه و دیگر نقاط جهان طرفداران بسیاری پیدا کند. شاید این مباحث در ابتدا مرتبط با حوزه‌های عرفانی و تصوف بوده است؛

ولی در ادامه با ورود به مباحث اجتماعی و سیاسی، از حوزه نظری به حوزه عملی ورود پیدا کرد و تأثیرهای بسیاری بر دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی تُرک داشته است. بر اساس مدارک و دلایل، بدیع‌الزمان نرسی ابتدا بر طریقت نقشبندیه تأکید کرده است؛ اما سرانجام با الهام از قرآن، طریقت نرسی را بر اساس چهار اصطلاح قرآنی عجز، فقر، شفقت و تفکر ابداع کرد که در کلیات رسائل النور تبیین کرده است. بررسی آثار بدیع‌الزمان نشان می‌دهد او ضمن پذیرش محاسن بی‌شمار تصوف و طریقت‌ها، به ذکر آسیب‌ها و زیان‌های طریقت‌ها نیز می‌پردازد و از مزایای آنها در طریقت خود هم بهره برده است؛ به‌ویژه تأثیرپذیری وی از طریقت نقشبندیه مشهودتر است.

نورسیه جماعتی دینی و اسلامی است که از نظر ساختاری به طریقه‌های صوفیانه نزدیک است؛ درواقع مکتبی عرفانی منسوب به بدیع‌الزمان سعید نرسی و مهم‌ترین طریقت در ترکیه پس از نقشبندیه به شمار می‌آید. پیروان نرسی که نورسیه، نورجیه یا جماعت نور هم می‌گویند، به فرقه‌های متعدد با آداب، بینش و مشی‌های کاملاً متفاوت (همسویی و خدمت به نظام تا خصومت و دشمنی علنی و بنیادین با آن) تقسیم می‌شوند. نرسی طریقت جدیدی بر اساس قرآن و سنت نبوی و با الهام‌گرفتن از طریقت‌های دیگر به‌ویژه طریقت نقشبندی تأسیس کرده است که دارای مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی متمایز با دیگر فرقه‌های صوفیانه است. نرسی در شرایط کنونی ترکیه، با داشتن شاخص‌ها و ویژگی‌های خاص و برجسته خود، توانسته است بیش از نیم قرن پس از حیات خود، در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی نقش مهمی را ایفا کند. می‌توان دلیل اشتهار و تأثیرگذاری وی را این‌گونه بیان کرد که اندیشه‌های وی از قرآن، سنت و تمدن اسلامی سرچشمه می‌گیرد و به هیچ‌وجه از اصول اسلامی عدول نمی‌کند؛ همچنین وی تفسیری پویا و متناسب با زمان از دین اسلام ارائه می‌دهد که قادر به از بین بردن شرایط بحرانی این عصر است.

در سالیان گذشته مردم ترکیه به دنبال قرائت‌هایی از اسلام رفته‌اند که چند دهه در برابر اسلام‌گرایی سیاسی فعالیت می‌کردند و به اسلام‌گرایی اجتماعی یا میانه‌رو موسوم است. رهبری این جریان را فتح‌الله گولن بر عهده دارد (نورالدین، ۱۳۸۲: ص ۱۹۴). جنبش فتح‌الله گولن در مرحله رشد جنبش‌ها و طریقت‌های دینی در ترکیه، یعنی در دهه هشتاد قرن بیستم میلادی سر برآورد. پژوهش حاضر در تلاش است با بازخوانی و تحلیل آرای عرفانی بدیع‌الزمان نوری که در جایگاه تأثیرگذارترین شخص بر گولن بوده است، نقش و دیدگاه عرفانی و صوفی‌گری را در حوزه اسلام و مباحث اجتماعی و مدنی مرتبط، تحلیل و بررسی کند.

اسلام در ترکیه از منظر تاریخی

کشور ترکیه تقریباً ششصد سال مرکز خلافت دنیای اسلام بوده است. مردم آن دارای باورهای مذهبی عمیق و ریشه‌داری هستند؛ اما تفاوت مذهبی و اعتقاد به مذاهب مختلف میان قشرهای مختلف مردم از ویژگی‌های بنیادی ساختار دینی ترکیه به شمار می‌آید. نخستین قانون اساسی کشور ترکیه در سال ۱۹۲۴، دین اسلام را دین رسمی جامعه تعیین کرد؛ اما در اصلاحات قانونی سال ۱۹۲۸، این ماده قانونی حذف و با تأکید بر جدایی دین از سیاست، ترکیه کشوری با دولت و حکومت غیر مذهبی (لایک)، یعنی تفکیک دین از سیاست معرفی شد. بعدها در سال ۱۹۲۸، هنگام تدوین قانون اساسی جدید، حاکمیت اصل لایک دوباره تصریح گردید. در ترکیه در زمینه اعتقادات دینی و مذهبی، وحدتی وجود ندارد و اعتقاد به مذاهب و طریقت‌های گوناگون میان اقشار مختلف مردم رواج دارد. بر اساس آمارهای منتشرشده، حدود ۹۸ درصد مردم ترکیه را مسلمانان و دو درصد را مسیحیان، کلیمیان و پیروان دیگر ادیان شکل می‌دهند. از دوران بیزانس که دوران آرامش آسیای صغیر نام گرفته است، حمله‌های ایرانیان و اعراب به منظور گسترش دین

اسلام، این منطقه را دچار تحولی عمیق کرد. اعراب بارها به آناتولی حمله کردند؛ اما قبایل چادرنشین توانستند به مقاصد اعراب جامه عمل بپوشانند. این قبایل با گرویدن به دین اسلام، دسته‌های اولیه اسلامی را شکل دادند و به منظور توسعه آن، راهی مناطق دیگر شدند. از نخستین مواجهه ترکان با جهان اسلام تا همه‌گیرشدن این دین آسمانی میان آنان، حدود سیصد سال طول می‌کشد.

ترکان از سه طریق به جهان اسلام وارد شدند: نخست: پذیرفتن انفرادی اسلام از طریق بردگی؛ دوم: تغییر دین به صورت گروهی و پرداختن وظایف سپاهی‌گری به صورت ایلی و اداره جامعه؛ سوم: تشکیل حکومت‌های ترک و همه‌گیرشدن اسلام میان آنان. این مرحله نزدیک به یک قرن به طول انجامید (۲۴۳ - ۳۲۳ ق). نخستین حضور ترکان در سرزمین‌های غربی اسلامی، در دوره معتصم عباسی بود. وی که مادرش کنیزی ترک بود، ترکان را به عناصر ایرانی و عرب در دربار خود ترجیح داد. به این ترتیب ترکان در نیمه نخست قرن سوم هجری به طور وسیع در دربار عباسی راه یافتند و خدمات آنان به درباریان، به‌ویژه در سرکوب و قتل عام نهضت ایرانیان مخالف با اشغال‌گری اعراب، یعنی پیروان بابک خرم‌دین در آذربایجان، در تاریخ به ثبت رسیده است. پذیرش اسلام از سوی ترکان، اقوام و قبایل پراکنده و بیابان‌گرد را وارد عرصه تمدن و زندگی شهری کرد و آنها را با فنون کشورداری آشنا نمود و در اواخر حیات سلسله عباسی، آنان به قدرتی مسلط بر تقریباً تمامی سرزمین‌های اسلامی تبدیل شدند. بر اساس آمارهای موجود، حدود ۷۵ درصد مردم ترکیه پیرو مذهب تسنن و از شاخه‌های حنفی و شافعی هستند. ۱۵ تا ۲۵ درصد آنان علوی و در بخش‌های شرقی و شمال شرقی در مرزهای ایران و جمهوری آذربایجان، اقلیتی از شیعیان دوازده‌امامی ساکن هستند. وجود فشارهای تاریخی و طولانی عثمانیان علیه شیعیان باعث پراکندگی پیروان مذهب جعفری در سرزمین آناتولی شد و به دلیل قطع ارتباط آنان با مراکز حوزوی و فکری، فرقه‌های متعدد و انحرافی از

مذاهب تشیع در این سرزمین به وجود آمد (موثقی گیلانی و اعتمادی فر، ۱۳۹۳: ص ۱۸ - ۱۹). یکی از دلایل رشد اسلام‌گرایی در جامعه ترکیه، ایجاد نظام سیاسی چند حزبی در سال ۱۹۴۶ بود؛ با ایجاد این نوع نظام سیاسی، حزب جمهوری خواه خلق (در جایگاه حزبی که گفتمان کمالیسم را به تصویر می‌کشید)، موقعیت انحصاری خود را در قدرت سیاسی از دست داد. پس از این تاریخ، احزاب سیاسی مجبور بودند برای رسیدن به قدرت سیاسی به رقابت با احزاب دیگر بپردازند؛ به همین دلیل اسلام به عاملی مهم در جذب آرا تبدیل شد. در این راستا، حزب دموکرات که برای ایدئولوژی کمالیسم ارزش کمتری قائل بود، توانست بیشترین آرا را به دست آورد؛ درحقیقت هدف این حزب، مشروعیت بخشیدن دوباره به اسلام و ارزش‌های سنتی در قوانین رسمی ترکیه بود (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۵۲). یکی دیگر از عوامل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران بوده است. همچنین به نظر می‌رسد عاملی دیگر که برگسترش اسلام‌گرایی در ترکیه تأثیرگذار بوده است، اصلاحات اقتصادی و سیاسی انجام شده در زمان نخست‌وزیری تورگوت اوزال در اواسط دهه ۱۹۸۰ باشد که بر تقویت گروه‌های اسلامی در جامعه ترکیه اثرگذار بود؛ زیرا حرکت از اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد و خصوصی‌سازی به آزادی‌های مدنی نیاز داشت؛ آزادی‌های مدنی باعث رشد نسبی احزاب، جنبش‌های مدنی و مطبوعات شد و به تدریج زمینه را برای مطرح شدن مباحثی در خصوص عناصر اسلام سیاسی درون حوزه‌های عمومی فراهم آورد (واحدی، ۱۳۸۴: ص ۲۲۵ - ۲۳۷). درمجموع دولت‌های ناکارآمد، اقتصاد ناسالم، مشروعیت پایین، رعایت نکردن حقوق بشر، سرکوب مخالفان و فقر از جمله عوامل بسترساز داخلی در تقویت جریان‌های اسلام‌گرا نظیر جنبش گولن محسوب می‌شوند. دوره‌های مختلف اسلام‌گرایی در ترکیه را می‌توان به شرح جدول ذیل بیان نمود: (روحانی، ۱۳۶۵: ص ۱۰۴؛ به نقل از نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ص ۱۸).

دوره اول	۱۹۲۳ تا ۱۹۵۰	فعالیت سری اسلام‌گرایان	در این دوران که با آغاز حکومت آتاتورک (۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸) و حکومت جمهوری خواهان تا ۱۹۵۰ مصادف است، محدودیت‌های شدیدی برای اسلام‌گرایان به اجرا درآمد که از همین رو، به دوره اسلام‌زدایی معروف شد.
دوره دوم	۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰	دوره احیا و آغاز فرایند بازگشت اسلام‌گرایی	فرایند دموکراسی‌سازی گسترش یافت و فضای بازی برای گروه‌های دینی ایجاد شد؛ در نتیجه دستیابی به آزادی‌های حداقلی نظیر فعالیت مدارس دینی را برای اسلام‌گرایان در پی داشت.
دوره سوم	۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰	موج اول اسلام‌گرایی	اسلام‌گرایان سیاسی در این دوره فعالیت چشمگیری را از خود به جا گذاشتند و با تشکیل احزاب و مطبوعات و ... به طور رسمی وارد فضای اجتماعی سیاسی ترکیه شدند.
دوره چهارم	از ۱۹۹۰ تا کنون	موج دوم اسلام‌گرایی	در این دوره شاهد روی کار آمدن قرائتی نو از اسلام با عنوان اسلام اجتماعی هستیم که امروزه بر فضای اسلام‌گرایی ترکیه حاکم است.

فرقه‌ها، جنبش‌ها و عرفان‌های نوین دینی در ترکیه

ترکان پیش از پذیرفتن دین اسلام، در سرزمین‌های مختلف آسیا و اروپا زندگی می‌کردند و دولت‌های گوناگونی داشتند. در زمان فتوحات اسلامی، مسلمانان به ماوراءالنهر و مرزهای ترک‌نشین رسیدند. در این سال‌ها، میان مسلمانان و ترکان جنگ‌های متعددی به وقوع پیوست. بعد از سال ۷۵۱ م که جنگ تالاس رخ داد، بین مسلمانان و ترک‌ها ارتباط‌های نزدیک و گرمی به وجود آمد. بعدها ترکان آرام‌آرام، گاهی قوم به قوم و گاهی فرد به فرد مسلمان شدند. دین اسلام در بسیاری از موارد به دین ترکان شباهت داشت؛ زیرا آنان نیز قبل از اسلام آوردن، خدای یگانه را می‌پرستیدند. افزون بر این شباهت، آنچه موجب ایمان و پذیرفتن اسلام از سوی بیشتر اقوام ترک شد، تعلیمات حیات بخش، نورانی و عدالت‌گستر اسلامی بود. ترک‌ها به خدای آسمان یا گوک تانری (Gök Tanrı) اعتقاد داشتند. در کتب تاریخ ثبت شده است که قبل از اسلام، اقوام ترک و به‌ویژه اغوز (Oğuz)، برای شکر یا درخواست کمک، دست را به آسمان بالا می‌بردند و می‌گفتند: Bir Tanrı (بیر تانری): خدای واحد کمک‌مان کن.

ترکان در زمان عباسیان به صحنه حکومت آمدند و برای دولت، سربازان و لشکر فراهم کردند. آنان بعدها در مقابل امپراتوری بیزانس در جنگ‌های متعددی شرکت جستند و به مقام‌های بالا دست یافتند. بعد از فروپاشی عباسیان، حکومت اسلامی به دولت سلجوقیان ترک و بعد هم به دست امپراتوری عثمانی کبیر افتاد و این سلطه تا اواخر فروپاشی عثمانیان (۱۹۲۴ م) ادامه یافت (سجادی، ۱۴۲۳: ص ۱۲). آتاتورک در سال‌های بعد، قرآن کریم و اذان را به زبان ترکی ارائه کرد؛ نقشه مکارانه‌ای در حال انجام گرفتن بود؛ هرچه مسلمانان از اسلام دورتر می‌شدند، غربی‌ها خوشحال‌تر بودند. گلاستون (Gladstone) وزیر مستعمرات انگلستان در پارلمان این کشور قرآنی به دست گرفت و در توجیه شکست‌های خود گفت: «تا زمانی که این قرآن در دست مسلمانان است، ما نمی‌توانیم بر آنان حکومت کنیم. باید کاری کرد و این کتاب را از آنها دور ساخت».

بعد از سال‌های ۱۹۳۱م در کتب (راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه) مدارس دولتی، انکار خدا به طور مستقیم مطرح شد و کوشیدند جوانانی بی دین پرورش دهند. آتاتورک می‌گفت: «پرستش یک خدا، نتیجه سیاست‌های جهانی است»؛ همچنین «قرآن وحی نیست، بلکه کلام بشر است». وی می‌افزود: «اگر تاریخ را جستجو و بررسی کنیم، خواهیم دید که محمد یک باره نگفته من پیامبر خدایم؛ او ابتدا از عادات و رسوم بد عرب ناراحت شد و خلوت گزید و در آنجا سال‌ها و سال‌ها تفکر کرد و سرانجام چیزهایی را که از ادیان موسی و عیسی آموخته بود، با تفکرات خود مخلوط کرد و به مردم القا نمود». با رواج این اندیشه‌ها، اذان را خاموش کردند، ذکر و اسم «الله» و «محمد» در روزنامه و مجله‌های ممنوع شد و در بسیاری از مکان‌ها قرآن را جمع‌آوری کردند و سوزاندند (مطهری، ۱۳۷۳: ص ۷۵ - ۷۶).

ترکیه همانند ایران از پرجمعیت‌ترین کشورهای خاورمیانه به شمار می‌آید. آماری دقیق درباره مذاهب جمعیت ترکیه در دست نیست؛ اما عمده مردم تابع مذاهب اهل تسنن هستند؛ بیشتر آنان حنفی و باقی از مذهب شافعی تقلید می‌کنند. بیشتر طرفداران حنفیه را ترکان و بیشتر شافعیان را کردها شکل می‌دهند. در ترکیه، مالکیان و حنبلیان بسیار اندک هستند. گسترش مذهب حنفی، چنان‌که گذشت، توسط دولت سلجوقی‌ها و امپراتوری عثمانی انجام گرفت. آتاتورک بعد از بستن مساجد، خانقاه‌ها، طریقت‌ها و دایره مشایخ عثمانی، برای زیر نظر داشتن دین اسلام در ترکیه، سال ۱۹۲۴م دیانت ترکیه را تأسیس کرد که تا کنون نیز تداوم یافته است. بعضی از مواد قانون اساسی ترکیه چنین است:

۱. خارج شدن دیانت از ارزش‌ها و اهداف آتاتورک، جرم است.
۲. دیانت حق ندارد در بعد سیاسی اسلام کاری انجام دهد؛ در غیر این حالت پیگرد قانونی دارد.
۳. دیانت فقط می‌تواند احکام نماز، روزه، حج و مواردی از این قبیل را به مردم بیاموزد.
۴. دیانت گونه‌ای مؤسسه و منصوب دولت لائیک است.

در ترکیه بیش از هفتاد هزار مسجد وجود دارد که به جز مساجد شیعه، همه زیر نظر دیانت است. دیانت هر هفته خطبه‌های جمعه مساجد را مشخص می‌کند و هر هفته در همه مساجد کشور یک خطبه خوانده می‌شود. برای آگاهی از محتوای خطبه‌های جمعه، به موضوع برخی از آنها اشاره می‌کنیم. در سال ۱۹۹۴م محتوای یکی از خطبه‌ها این بود که اطاعت از حکومت لازم است؛ هرچند ظالم باشد. توجه به جنگل‌ها، برتری دولت ترکیه بر دیگر دولت‌ها، اسراف و زیان‌های آن، موضوع برخی از خطبه‌ها بوده‌اند (ارول قلیچ، ۱۳۸۲: ص ۴۱۹).

میان اهل سنت ترکیه بعد از حنفیان، شافعیان بیشترین جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند. اینان که بیشتر گردند، به اهل بیت (ع) علاقه بسیاری دارند. بیشتر کسانی که از تسنن به تشیع عدول می‌کنند و مذهب جعفریه را می‌پذیرند، جوانان شافعی‌اند. شافعی‌ها در برابر حنفی‌ها علاقه بیشتری به دین اسلام دارند و بیشتر دانشمندان و نویسندگان ترکیه میان آنها پرورش می‌یابند. میان اهل تسنن ترکیه، دو طریقت بسیار معروف است که یکی از آنها رانورجی و دیگری را نقشبندی می‌نامند. نورجی‌ها جوانان اهل سنت، نفوذ بیشتری دارند؛ ولی عوام متمایل به طریقت نقشبندی‌اند. گروه‌های دیگری هم بین اهل سنت وجود دارد که از جمله آنها یازجیلر، کایلاتجیلر، گروه سامی افندی و گروه محمود افندی است که البته پیروان چندانی ندارند. در ادامه به برخی از طریقت‌ها و اندیشه‌ها می‌پردازیم.

۱. نورجی‌ها

بنیان‌گذار این طریقت، بدیع‌الزمان نورسی است که سال ۱۹۶۰م از دنیا رفته است. این طریقت بعد از فوت سعید نورسی به مدت کوتاه به دسته‌های مختلف منشعب شد؛ ولی دوباره توسط فردی به نام فتح‌الله گولن زیر یک چتر گرد آمد. فتح‌الله گولن در سال ۱۹۱۷م به دلیل فعالیت‌های بنیادگرایانه و ضدیت با رژیم لائیک به سه سال زندان محکوم شد.

نورجی‌ها رهبر اصلی خود را رسول اکرم (ص)، رهبر افکار جماعت خود را سعید نورسی و رهبر امروزه خود را فتح‌الله گولن می‌دانند. گولن وعظ‌های خود را همیشه با چشم‌گریان انجام می‌داد و این چنین توجه مردم را به خود جلب می‌کرد. شبکه تلویزیونی وی که STV نام دارد، هر روز سخنرانی‌ها و خطبه‌های او را پخش می‌کند. جماعت نورجی‌ها، فتح‌الله گولن را «مهدی منجی» و «عیسی» می‌نامند (ازدالگا، ۱۳۸۹: ص ۴۲۸). نورجی‌ها که شهر ارزروم را برای فعالیت‌های اولیه خود انتخاب کرده‌اند و در آن شهر نفوذ قابل توجهی دارند، دارای یکی از منظم‌ترین تشکیلات دنیا هستند.

۲. طریقت نقشبندی

پس از سال ۱۹۷۰م، طریقت نقشبندی میان اهل سنت ترکیه گسترش بسیار یافته است. اینان امروزه اگرچه نه به اندازه طریقت نور، به نوبه خود فعال‌اند. مثبت‌ترین کاری که نقشبندی‌ها به‌ویژه یک گروه آنان به نام «اشیکلار» انجام داده‌اند، خنثی کردن تبلیغات و نفوذ وهابیت در کشور است. مریدهای این طریقت، خانه به خانه گشتند و کتابی به نام سعادت ابدیه را میان مردم پخش کردند که محتوای آن نقدهایی بر عقاید وهابیت بود. امروزه کمپانی اخلاص و شبکه تلویزیونی TGRT در دست آنان است که می‌توان گفت این رسانه تلویزیونی بزرگ‌ترین دشمن افکار شیعه اثناعشری است (ارول قلیچ، ۱۳۸۲: ج ۷، ص ۴۲۸).

۳. شیعه (جعفریه یا اثناعشریه) در ترکیه

در ترکیه کنونی حدود یک میلیون جعفری مذهب وجود دارد. بیشتر این شیعیان در جنگ جهانی اول از ایران، آذربایجان و ارمنستان وارد سرزمین ترکیه شدند. عده دیگری از آنان هم بعد از جنگ جهانی دوم از روسیه فرار کردند و از طریق دولت آلمان به ترکیه مهاجرت نمودند.

جعفری‌های دیگر ترکیه را هم مستبصران شکل می‌دهند. در دو دهه اخیر هم جوانان شافعی، مذهب جعفریه را پذیرفته‌اند. در سال‌های بعد از ۱۹۷۰م، شیعیان برای اشتغال از دو شهر ترکیه (قارص و اغدیر) به شهرهای بزرگ ترکیه و نیز خارج از کشور، به ویژه آلمان مهاجرت کردند؛ همچنین در زمان درگیری ارتش و پ.ک.ک، جعفری‌ها باز هم به غرب ترکیه کوچ کردند و این مسئله موجب بر زبان افتادن نام جعفریه در ترکیه شد. شهر هم‌مرز ایران، قارص پیش‌تر مرکز شیعیان ترکیه به شمار می‌آمد؛ ولی امروزه مرکز آنان استانبول است. بعد از انقلاب اسلامی ایران، شیعیان نیز مانند دیگر مذاهب ترکیه مشغول فعالیت شدند. در سال ۱۹۸۹م در استانبول فقط یک مسجد از آن شیعه بود و آن هم به ایرانیان تعلق داشت؛ ولی امروزه در استانبول بیش از سی مسجد جعفریه وجود دارد؛ همچنین در شهرهای مختلف کشور اعم از آنکارا، بورسا، ازمیر، قارص و اغدیر بیش از ۲۵۰ مسجد شیعه برای عبادت باز است.

۴. یهودیت در ترکیه

در ترکیه به یهودیان، Musevi Cemaati یا «جماعت موسوی» گفته می‌شود. آمدن موسویان به ترکیه در زمان دولت عثمانی اتفاق افتاد. در تاریخ آمده است فردیناند (Ferdinand) پادشاه بزرگ اسپانیا، فرمان داده بود همه غیرمسیحیان تبعید یا اعدام شوند. در پی این فرمان، عده‌ای از یهودیان اعدام شدند و بقیه در سال ۱۴۹۲م با فرمان بایزید دوم - پادشاه عثمانی - به استانبول آورده شدند؛ به همین سبب یهودیان ترکیه در سال ۱۹۹۲م، به مناسبت پانصدمین سال آزادی خود از اسپانیا و سپاس‌گزاری از ترک‌ها جشن بزرگی برپا کردند. اسحاق آلتون یکی از سرمایه‌داران معروف ترکیه می‌گوید: «ما موسویان ترکیه حدود صد هزار نفر بوده‌ایم که این رقم به ۲۵ هزار نفر کاهش یافته و بیشتر یهودیان به اسرائیل کوچ کرده‌اند» (ازدالگا، ۱۳۸۹: ص ۲۳۶).

۵. شیطان‌پرستان در ترکیه

شیطان‌پرستی (Satanism) در ترکیه بعد از انتحار مشکوک دو جوان (۱۹۹۹ م) مورد توجه رسانه‌های گروهی قرار گرفت؛ اما امروزه نیز این دین جدید در ترکیه - هرچند نه به اندازه پیش - مطرح است. بنیان‌گذار این آیین مردی با اصالت قفقازی به نام آنتون لاوی (Anton Lavey) است. وی سال ۱۹۶۶ م در سانفرانسیسکو یک کلیسای شیطان بنا کرد و بعد از آن آیین شیطان‌پرستی در جهان گسترش یافت. این فرقه در اصل با ادعای مخالفت با باورهای پوچ مسیحیت به وجود آمد و بعد از آمریکا وارد مغرب‌زمین شده است. به نظر آنتون لاوی «انسان موجودی است خودبین، خودخواه و منفعت‌جو و در این صورت باید از انسان بترسیم، نه از شیطان. آفریننده جهان که خداست، خالق بدی است و شیطان دشمن او و طرفدار ماست». کتاب مقدس شیطان‌پرستی که نویسنده‌اش آنتون لاوی است، «انجیل شیطان» (Satan Bible) نام دارد. اعداد ۱۳ و ۶۶۶ در شیطان‌پرستی مقدس و شیطانی دانسته می‌شوند. اینان در مراسم خود از گربه استفاده می‌کنند و می‌گویند گربه نزدیک‌ترین حیوان به شیطان است. امروزه مرکز شیطان‌پرستان در جهان، کشور نروژ است (ازدالگا، ۱۳۸۹: ص ۲۲۸).

۶. طریقت بکتاشیه

این طریقت منسوب به حاج بکتاش ولی (۷۳۸ ق) صوفی پرآوازه قرن هفتم قمری و معاصر مولوی است. زادگاه وی نیشابور و مدفن او آتاتولی است. وی بنیان‌گذار یکی از طریقت‌های بزرگ صوفیه است که نقش مؤثری در زندگی مادی و معنوی شهروندان خلافت عثمانی داشت و این طریقت حیات خود را تا به امروز هم ادامه داده است. علویان ترکیه خود را از مریدان حاج بکتاش ولی می‌دانند و سردمداران ترکیه به طور رسمی در مراسم‌های مختلف مثل بزرگداشت حاج بکتاش شرکت می‌کنند (زارع، ۱۳۸۲: ص ۲۵۳).

۷. طریقت مولویه

این طریقت به مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (م ۶۷۲ ق) منسوب است. مولویه دارای آثار مدون، آداب و مراسم دسته‌جمعی خاصی است. پیروانش در ترکیه، سوریه و بالکان پراکنده هستند و بیشترین شهرت آنها به دلیل مراسم سماع مولویه است که هر سال به طور رسمی در قونیه برگزار می‌شود.

۸. طریقت قادریه

بنیان‌گذار این طریقت، عبدالقادر گیلانی (۴۷۵ - ۵۶۵ ق) است که جایگاه والایی در تصوف اهل سنت و در شمال آفریقا و خاورمیانه دارد. از ویژگی‌های مشخص این طریقت، انجام اعمال خارق‌العاده در مجلس ذکر مثل فروبردن میله‌های فلزی در بدن، بلعیدن تیغ، کوبیدن میخ بر سر و... است. این طریقت دارای بنیادی فرهنگی به نام «خیریه تحقیقات علمی مرکزی طرابوزان» با بیش از نود شعبه در سراسر ترکیه و شبکه تلویزیونی «ماژتی وی» (به معنای پیام) است. این طریقت معتقد به دخالت نکردن در امور سیاسی است و در احزاب راست مثل «مام میهن» و «راه راست» نفوذ دارد (ازدالگا، ۱۳۸۹: ص ۲۲۸).

نورسی و تصوف

انسان، خدا و طبیعت و تبیین جایگاه انسان و نوع ارتباطش با خود، خدا و طبیعت موضوعی است که همواره ذهن متکلمان، فلاسفه و عارفان را به خود مشغول داشته است. متصوفه با بهره‌بردن از شیوه‌های مبتنی بر مشاهدات باطنی، انسان را به تزکیه نفس و درون دعوت می‌کنند تا با شناخت خویشتن موفق به شناخت پروردگار و به دست آوردن آرامش روحی گردد. صوفیان فنا فی الله را برای خود هدف قرار می‌دهند و با طی طریق در

مسیر سیروس‌سلوک، امیدوارند آینه دل را چنان صیقلی کنند که تمام حقایق هستی در آینه دلشان تبلور یابد. برای تصوف تعاریف گوناگونی ارائه شده است؛ نوری در تعریف تصوف می‌گوید: «تصوف شیوه اسرارانگیز کسانی است که درصدد کشف حقایق و شناخت خداوند هستند، آن‌طور که شایسته اوست. آنها با تطهیر قلوب‌شان درصدد سیروس‌سلوک روحانی هستند و با ذوق و شوق و ایمان مظهر حقایق قرآنی می‌گردند» (محمدی، ۱۳۹۳: ص ۴۲). سعید نوری در بحث غایت تصوف می‌گوید: «انسان دارای دو بعد روحانی و جسمانی است و طریقت‌های صوفیانه غالباً در پی شناخت جنبه‌های روحانی انسان هستند. آنها بر طهارت قلب تأکید می‌کنند و طبق نظر امام ربانی (احمد سرهندی) ملقب به مجدد الف ثانی، همه طریقت‌های صوفیانه می‌خواهند حقایق ایمانی را به دل‌ها رسوخ دهند» (محمدی، ۱۳۹۳: ص ۲۶).

زمانه‌ای که نوری می‌زیست، زمانه تسلط تدریجی ماده‌انگاران بر امور معنوی و روحانی بود. او از طریقت‌هایی که غافل از اوضاع زمانه فقط به ذکر و برگزاری آیین‌های تصوفی می‌پرداختند، گاه و بی‌گاه انتقاد می‌کرد. بدیع‌الزمان در بخشی از مکتوبات خود می‌نویسد: «گمان می‌کنم اگر شیخ عبدالقادر گیلانی و شاه نقشبند و امام ربانی امروز زنده بودند، تمام هم‌شان را صرف تقویت حقایق ایمانی و عقاید اسلامی می‌کردند» و در ادامه می‌افزاید: «مدار سعادت ابدی همین‌هاست. بی‌توجهی به حقیقت ایمان و اسلام شقاوت ابدی را در پی دارد. کسی بدون ایمان وارد بهشت نمی‌شود؛ اما بسیاری از کسانی که بدون طریقت وارد بهشت می‌شوند. انسان بدون نان نمی‌تواند زنده بماند، اما اگر میوه نخورد، طوری نیست و نخواهد مرد. تصوف میوه است و حقایق اسلامی حکم نان و غذا را دارد» (مکتوبات، ص ۲۷). او با این وجود در بسیاری از موارد در برابر منکران دین از اهل تصوف دفاع کرده است؛ حتی در جایی می‌گوید رساله نور خلاصه و چکیده آموزه‌های طریقت‌های دوازده‌گانه بر حق است. نوری بر لزوم تبعیت

از سنت پیامبر در طریقت‌های صوفیانه نیز تأکید می‌کند و می‌گوید: «پیروی از سنت ثنیه در تصوف اهمیت فراوانی دارد. این راه نورانی‌ترین، زیباترین و غنی‌ترین راه است. صوفیان باید در افعال و حرکات خویش از سنت پیامبر تقلید کنند و در کارها احکام شرعی را مورد توجه قرار دهند». او برای طریقت‌های صوفیانه مزایا و آفت‌هایی را برمی‌شمرد. ایشان در نامه بیست‌ونهم در مکتوبات می‌گوید: «کسانی که قبل از آشنایی کامل با اصول دین و سنت پیامبر وارد طریقت شوند، در معرض آفت‌هایی گوناگونی هستند». برخی از خطرهایی که از نظر بدیع‌الزمان چنین کسانی را تهدید می‌کند، عبارت‌اند از: ترجیح ولایت بر نبوت، ترجیح اولیاء الله بر انبیا، اولویت دادن به اوراد و اذکار به جای توجه تام به سنت پیامبر، یکی دانستن الهام و وحی، دل دادن به کرامات و احوال نورانی و ترجیح آنها بر عبادات. او در همان جا بار دیگر تکرار می‌کند بدون شریعت نمی‌توان به بهشت رفت؛ اما کسانی که بدون طریقت به بهشت می‌روند، فراوان‌اند. بدیع‌الزمان فواید تصوف را در رساله تلویحات تسعه خود به ترتیب ذیل ذکر می‌کند. او می‌گوید: «حقایق ایمان در سایه طریقت‌هایی که از راه راست منحرف نشده‌اند، ظهور می‌یابد. سالک طریق به واسطه آموزه‌های طریقت متوجه قلب می‌شود و حواس ظاهر و باطن خود را متوجه خالق یکتا می‌سازد. فردی که در طریقتی به سیروسلوک می‌پردازد، درواقع می‌کوشد شبها و گمراهی‌ها را کنار بگذارد. سالک طریق ذوق محبت الله را می‌چشد. فرد در سایه تعالیم طریقتی و قلبی آگاه پی به لطایف تکالیف شرعی و دینی می‌برد. صوفی به مقام توکل و رضا و مرتبه تسلیم محض می‌رسد و لذت حقیقی را تجربه می‌کند. مهم‌ترین نتیجه‌ای که در راه تصوف حاصل می‌شود، خلاصی یافتن از شرک خفی و رذایل دیگر است. کسی که مشغول ذکر قلبی می‌شود و به کمک عقل و خرد به آرامش می‌رسد، می‌تواند عادات را تبدیل به عبادات کند. سالک طریق با سیرانفسی و مبارزه با نفس به تکامل معنوی دست می‌یابد و می‌تواند تا انسان کامل شدن پیش برود». سعید نورسی

بعد از برشمردن مزایای طریقت های تصوفی، اضافه می کند که سرچشمه تمام حقایق، قرآن است و آن گاه می گوید خود به کشف طریقتی موفق شده است که مبتنی بر چهار پایه قرآنی عجز، فقر، شفقت و تفکر است. اوراد و اذکار این طریقت نیز تبعیت از سنت رسول الله، انجام واجبات و ترک گناهان کبیره است. سالک این طریق، باید نماز را با حضور قلب به جا آورد و مستحبات بعد از نماز را با دقت انجام دهد (محمدی، ۱۳۹۳: ص ۱۲۴).

مطالعه آثار نوری و مراحل مختلف زندگی او نشان می دهد او هیچ گاه دلبستگی خاصی به طریقت های صوفیانه زمان خود نداشته است؛ هرچند همواره از صوفیان به احترام یاد می کند و گاه انتقادهایی را بر آنها وارد کرده است. دست یابی به حقیقت برای او اهمیت داشت و در این مسیر قرآن را حبل المتین می دانست. او در مکتوبات این عبارت را از امام ربانی نقل می کند که ظهور مسئله ای از حقایق ایمانی برای من مهم تر از هزاران ذوق و مکاشفه است (مکتوبات، ص ۳۵۵). نوری در مجموع نگاه مثبتی به تصوت دارد و می گوید: «اهل تصوف و طریقت اگر در مسیر قرآن باشد، از اسرار بزرگ انسانی و کمال بشری آگاه می شود. غایت و هدف اصلی اینان معرفة الله است. آنها می خواهند در سایه معراج پیامبر با مرکب دل و با کوشش در مسیر معنوی سیروسلوک به حقیقت ایمان برسند. آنها به لحاظ ذوقی و شهودی مظهر حقایق قرآنی و ایمانی هستند» (مکتوبات، ص ۳۵۵ - ۳۵۶). ایشان برای تصحیح مسیر برخی طریقت ها بر ذکر توأم با تفکر تأکید می کند. او این دو را اگر در کنار هم باشند، کلید ترقی معنوی می داند. نوری ذکر همراه با تفکر را افزون بر سعادت اخروی، موجب آرامش در این جهان نیز می داند. او با مشاهدۀ مبالغه ای که برخی از صوفیان در مبحث ولایت می کنند، بر ارتباط خاص ولایت و نبوت پای می فشارد. آنها را کامل کننده هم می نامد و با نگاه تألیفی خاص خود می گوید ولایت یکی از حجج رسالت است و طریقت نیز یکی از برهان های شریعت است (مکتوبات، ص ۴۴۳).

او با مشاهده مقام والایی که برخی صوفیان برای اقطاب خود قائل بودند و بی‌توجهی آنان به صحابه با تأکید بیان می‌دارد که صحابه بعد از پیامبر (ص) برترین انسان‌ها هستند و در این باره میان صاحبان همه مذاهب اهل سنت اجماع وجود دارد. او صحبت و هم‌نشینی با پیامبر (ص) را اکسیری می‌داند که تجربه‌کنندگان آن گرچه در اندک زمان، برتر از کسانی خواهند بود که سال‌ها به سیروس‌سلوک می‌پردازند. نورسی صحابه رسول (ص) را برتر از همه اولیاء می‌داند و دلیل آن را وظیفه بی‌نظیر و شخصیت متعالی پیامبر ذکر می‌کند. سعید نورسی از سوی دیگر خود را موظف به پاسخ‌گویی به مخالفان تصوف می‌داند. مخالفان را دو گروه می‌داند و می‌گوید گروه‌های منحرف میان اهل تصوف ضربه سهمگینی بر پیکر این درخت تنومند وارد می‌کنند. اینان در قدم اول باعث برانگیختن مخالفت‌ها و انکارها در ارتباط با اصل مکتب تصوف می‌شوند؛ با این حال او گروه دوم را بیشتر مقصر می‌داند و وجود آنها را مایه تأسف می‌نامد. سعید نورسی آنها را منحصر در چارچوب مذهب اهل تسنن می‌نامد و به طور مشخص از دو طیف نام می‌برد: اول عالمان ظاهر که فقط و فقط درگیر الفاظ اند و دیگر غافلان اهل سیاست (مکتوبات، ص ۴۸۹). به عبارت دیگر عالمانی که مشکل‌شان با صوفیان در لفظ و کلمه و ظاهر است و سیاست‌مدارانی که طریقت‌ها را مانع رسیدن به پیشرفت‌های ظاهری به سبک غرب می‌دانستند. بدیع‌الزمان در بیان سیروس‌سلوک درست و تصحیح اعمال گاه جاهلانه و اغراق‌آمیز پیروان برخی طریقت‌های زمان خود می‌گوید این سفر روحانی دو قسم است: انفسی و آفاقی. سفر در سیر انفسی از خود آغاز می‌شود و در خود است. سالک چشم خود را بر حقایق بیرونی می‌بندد و بر درون و باطن خود متمرکز می‌شود. اینجا تعالیم تصوف از انانیت فرد گذر می‌کند، راهی از درون می‌یابد و پی به حقیقت می‌برد. او آن‌گاه نظر بر آفاق می‌کند و جهان بیرون را نورانی می‌یابد. سالک در انتهای سیر انفسی حقیقتی را درون خود می‌یابد که با چشم‌گشودن به جهان خارج، آن را در همه زوایای هستی مشاهده می‌کند. نورسی می‌گوید این شیوه کسانی است که ذکرشان

خفی است و بر سه پایه استوار است: شکستن انانیت، ترک امیال دنیوی و ازین بردن نفس اماره (مکتوبات، ص ۴۴۵).

تصوف در مرتبه سوم نظام فکری و اعتقادی سعید نوری قرار دارد. تأکید او در درجه اول بر قرآن است؛ آن‌گاه لزوم آشنایی با سنت پیامبر را یادآور می‌شود و در مرتبه سوم تصوف قرار دارد. او مدام به یاران و اطرافیان و هوادارانش یادآور می‌شود فرد پیش از ورود به طریقتی مشخص، باید ایمان خود را با شناخت کتاب خدا و سنت پیامبر به مرحله مقبولی برساند (مکتوبات، ص ۴۴۶). سعید نوری در پاسخ به فردی که از او پرسید آیا درس‌های تصوفی می‌دهد یا نه؟ پاسخ می‌دهد: «آنچه ضروری و لازم است، اسلام است؛ زمانه زمانه طریقت نیست» (مکتوبات، ص ۴۱). او هنگام مطالعه چهار اصل اساسی طریقت نقشبندی که عبارت است از: ترک دنیا، آخرت، هستی و ترک ترک و بعدها پس از آشنایی با نظریه وحدت وجود محیی الدین ابن عربی و وحدت شهود احمد سرهندی ملقب به مجدد الف ثانی، چهار عنصر اصلی تشکیل دهنده طریقت خود را ذکر می‌کند: فقر مطلق، عجز مطلق، شکر مطلق و شوق مطلق. او می‌گوید این راه افزون بر اینکه بر آیات قرآن استوار است، نزدیک‌ترین نیز هست. مراحل ترقی در طریقت او عجز، فقر، شفقت و تفکر است. او هر کدام از مراتب پیش‌گفته را تحت نامی از نام‌های خداوند مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌گوید عجز، آدمی را به حب الهی که همه چیز را دربر گرفته است رهنمون می‌شود؛ فقر، سالک را متوجه رحمت کلیه حضرت حق می‌کند؛ شفقت، یادآور مهربانی و شفقت مطلق اوست؛ تفکر، سالک طریق را به شناخت حکمت حق تعالی نائل می‌کند. به این ترتیب طریقت مورد نظر او از طریقت‌هایی که در سیروسلوک به هفت مرتبه قائل‌اند و ذکرشان خفی است و همچنین از آنها که به مراتب ده‌گانه قائل‌اند و ذکرشان آشکار و جلی است، متمایز می‌شود. نوری البته مجموعه دیدگاه‌های خود را هیچ‌گاه طریقت ننماید. او می‌گفت این مطالب بیان دیگری از شریعت است و هدف از بیان آن نشان دادن عجز انسان در برابر خداوند است.

سعید نورسی می‌گوید سالک برای رسیدن به معرفه الله باید چهار گام بردارد؛ اول: به تزکیه نفس قیام کند (مکتوبات، ص ۲۰). باید درون خود را از آلودگی‌ها پاک کند و از هوی و هوس‌ها دوری گزیند. دوم: خداوند را در همه جا و همیشه ناظر بداند. سوم: در مقابل خالق یکتا متوجه قصور و کمبودهای خود شود و توبه کند. همه خوبی‌ها را از خدا و بدی‌ها و نقص‌ها را از خود بداند. سالک در مرتبه پایانی به ادراک آیه کریمه «کل شیء هالک الا وجهه» نائل می‌شود (مکتوبات، ص ۴۶۰). نورسی زندگانی خود را به دو بخش تقسیم می‌کند و از سعید قدیم و سعید جدید سخن می‌گوید. زندگی سعید جدید با مطالعه آثار عبدالقادر گیلانی و تحت تأثیر اندیشه‌های عرفانی او شکل می‌گیرد. او در بخشی از رساله نوره که به «لاحقه امیرداغ» معروف است، می‌گوید: «رساله نور خلاصه و زبده دوازده طریقت بزرگ و اصیل است» و ادامه می‌دهد: «رساله نور نه از علوم شرق تغذیه کرده است نه از علوم غرب؛ منشأ مطالب مطرح شده در این رساله، مستقیماً قرآن است». او در رساله «طریقت» مندرج در مکتوبات یادآور می‌شود تعداد راه‌های رسیدن به خداوند به تعداد انسان‌هاست و همه این راه‌ها در شاهراه قرآن مجید قرار دارد. بیشتر مطالبی که بدیع‌الزمان در رساله «نور» ذکر می‌کند، اشاره‌ای گرچه اندک به زندگی و سخنان صوفیان دارد. در رساله «نور» از عارفانی چون حسن بصری، جنید بغدادی، شقیق بلخی، مولانا و عبدالقادر گیلانی به تکرار نام برده می‌شود. او در کتاب مثنوی نوریه بعد از ذکر نام تعدادی از عارفان می‌گوید: «همه این دوستان در آن عالم‌اند. آیا اشتیاق رفتن به آن عالم در تو هست؟ لذت‌ها به غسل زهرآگین شبیه‌اند. روی دیگر لذت درد و الم است. مرگ رفتن به نزد دوستان است. ببین دوستان در آن عالم‌اند».

نورسی از عبدالقادر گیلانی از صوفیان شناخته شده و امام ربانی معروف به مجدد الف ثانی که پیرو و با این وجود منتقد ابن عربی است، تأثیر پذیرفته است. او در جایی از عبدالقادر با عنوان مرشد قدسی و استادم یاد می‌کند. در جایی دیگر می‌گوید: «اگر خبردار شوم که امام ربانی در قید حیات است، تمام کارهایم را رها کرده، به هند می‌روم تا در محضر او باشم». سعید نورسی

در جایی از علاقه‌اش به مولانا می‌گوید و بیان می‌دارد او مثنوی خود را به فارسی نوشت و من به عربی. او در مقدمه مثنوی عربی خود ارادتش به مولانا را به زبان می‌آورد. بدیع الزمان برای مولانا چنان احترامی قائل بود که وقتی به قونیه می‌رفت، از جایی کفش هایش را درمی‌آورد و پابرنه راهی مزار این عارف بزرگ می‌شد (ازدالگا، ۱۳۸۹: ص ۲۲۸).

دیدگاه‌های اسلام اجتماعی

یکی از عوامل مهم پیشرفت و رشد اسلام در ترکیه، می‌توان به اقدام‌های اسلام‌ستیز جریان‌های سیاسی در گذشته اشاره کرد؛ به طوری که سرکوب جریان‌های اسلامی تأثیر بسزایی در رشد آنها داشته است. برخی از جریان‌های اسلام‌گرا با بررسی و تحلیل رویدادها به این نتیجه دست یافتند که قرائت جدیدی از اسلام و آموزه‌های آن به کار گیرند و در برابر اسلام سیاسی، اسلام اجتماعی را طرح کنند. اسلام سیاسی در دهه‌های گذشته بسیار هزینه‌بردار بود و فعالیت‌های آن با شکست مواجه شده بود. اسلام اجتماعی یا میانه‌رو برگرفته از اندیشه‌های نورسی و با محوریت فتح‌الله گولن بوده است (نورالدین، ۱۳۸۲: ص ۱۹۴).

امروزه جریان اسلام‌گرای میانه‌رو بزرگ‌ترین گروه مذهبی در ترکیه به شمار می‌رود. رهبران این جنبش کوشیده‌اند با استفاده از ویژگی‌های زندگی غربی و جوامع آنها، زندگی جدید ساده و عارف‌گرایانه خود را سرمشق دیگران قرار دهند. یک روزنامه‌نگار ترک درباره فتح‌الله گولن می‌گوید: «جمله‌هایش را با استغفرالله شروع می‌کند. آرام و مؤدبانه سخن می‌گوید. بسیار فروتن است. با آهنگی یکنواخت وعظ می‌کند. در جمله‌هایش قواعد دستوری را کاملاً رعایت می‌کند و از واژگان دوره عثمانی بسیار بهره می‌گیرد» (انتخابی، ۱۳۹۲: ص ۳۲۱).

جنبش اسلام اجتماعی تقریباً در دهه هشتاد میلادی قرن بیستم در ترکیه ظهور کرد و بین طریقت‌ها و جنبش‌های دیگر در اجتماع خود را درخشان‌تر نشان داد. پس از وقایع نظامی و انجام

کودتا در آن دوران توسط کنعان اورن و اصلاحات سیاسی و فرهنگی که در باب مطبوعات و آزادی و ... رخ داد، جنبش‌های دینی به شکوفایی و رشد مناسب دست یافتند؛ یکی از جریان‌ها و جنبش‌ها، طریقت نورسی بود که توسط فتح‌الله گولن احیا گردید (فلاح، ۱۳۸۹: ص ۲۰۵ - ۲۲۲). از جمله اصول مهم اندیشه اسلام اجتماعی آن است که آنها دشمنان اصلی جامعه اسلامی را فقر و جهل و تفرقه می‌دانند و راه مقابله با آن را نیز در کسب علم، تلاش و اتحاد می‌بینند. آنها در صدد توازن بین ایمان، علم و عقل هستند و سعادت اصلی را در معرفت، حقیقت و دانش می‌دانند. تمامی شبهه‌های موجود را به دلیل نبود دانش کافی و مناسب و تقلید متعصبانه در دین می‌بینند. برای رفع دغدغه‌های کنونی مسلمانان قائل هستند: «راه حل نه چنانچه در غرب مطرح است، در فکر و عقل صرف است و نه آن‌گونه که در شرق مطرح است، در قلب و روح، بلکه راه حل در تربیت متکی بر روشنگری عقلی - فکری - قلبی و در عمل متکی بر بخشش و اتحاد است نه تفرقه». این جریان همچون اندیشه‌های بدیع‌الزمان نورسی، خواسته‌ها و مطالبات اسلامی خود را از مجاری فرهنگی و اجتماعی دنبال می‌کنند و تمایل چندانی به مداخله مستقیم سیاسی ندارند (قهرمان‌پور، ۱۳۹۰: ص ۱۰۴). این جریان فکری در جامعه ترکیه، به یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌ها و طریقت‌های اسلامی بدل شده است و تمامی اقدام‌های عملی آنها مورد توجه رسانه‌ها و مردم در حوزه مذهبی و اجتماعی قرار گرفته است.

فرقه‌گرایی جدید معنوی (اندیشه‌های عرفانی و اسلام اجتماعی)

آنچه به روشنی مشخص است، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های اسلام‌گرایان ترکیه به‌ویژه اسلام اجتماعی، متأثر از عرفان بدیع‌الزمان نورسی است که در حوزه عملی نیز دارای ویژگی‌های منحصر به فردی می‌باشد. همین امر سبب مطرح شدن اسلام شده است و طرفداران بی‌شماری را جذب می‌کند. در جدول ذیل برخی از ویژگی‌های عملی که بر اساس عرفان تعریف شده است، بیان می‌گردد:

ردیف	ویژگی	ملاحظات
۱	تمایلات اسلام‌گرایانه	تمایلات اسلام‌گرایانه از جمله بارزترین ویژگی‌هاست. از مهم‌ترین اهداف اسلام اجتماعی، ارائه الگوی تمدنی برای جهان اسلام با اتکا به عمل‌گرایی اسلامی با استناد به قرآن و سنت پیامبر (ص) و خلق جهانی مدرن و نواز قرآن و احادیث و سنت و پیگیری تفکر تشکیل امت اسلامی بوده است.
۲	صوفی‌گری	روش صوفی‌گری ریشه در سابقه اسلام‌گرایی مردم ترکیه دارد و با توجه به تاریخ پرفرازونشیب دین‌گرایی و سرکوب آنها توسط کمالیست‌ها، انتخاب این روش امری قابل توجیه است.
۳	آزادی در عمل	اسلام ترکیه هدفی به نام تربیت مسلمان مدرن دارد که دارای اخلاق اسلامی و آموزشی در علم و دانش معاصر برای ایجاد جامعه مدرن باشد. این مجموعه چند هدف مهم دارد: ۱. آگاهی بخشی به مسلمانان؛ ۲. تبیین رابطه بین علم و دین؛ ۳. تجدیدنظر در قرائت سنتی از اسلام با تربیت نسل ایمان، دانش، اخلاق، عشق، محبت، انسانیت، آرمان‌گرایی و از خودگذشتگی.
۴	حوزه خصوصی دین	اسلام‌گرایان اجتماعی ترک معتقدند دولت ضرورتی ندارد شریعت یا قوانین اسلامی را به کار گیرد. آنها به این مسئله اشاره می‌کنند که بیشتر قوانین و احکام اسلام درباره زندگی شخصی انسان‌هاست و فقط بخش کوچکی از آنها به حکومت و کشورداری مرتبط می‌شود. بهترین شکل حکومت از نظر آنها دموکراتیک است.

ردیف	ویژگی	ملاحظات
۵	تسامح با اقلیت‌ها	در گفتمان آنها بر این امر تصریح می‌شود که این امکان وجود دارد انسان‌ها با یکدیگر گفتگو کنند؛ چرا که بین انسان‌ها ارزش‌های مشترکی وجود دارد و وجود ارزش‌های مشترک معلول آن است که همه انسان‌ها مخلوق خدایی واحد هستند. این ارزش‌ها اسلامی هستند و از آنجاکه اسلام دینی جهان‌شمول است، ارزش‌ها نیز جهان‌شمول هستند.
۶	وفاداری به سکولاریسم	سیاسی کردن مذهب از دیدگاه اندیشمندان ترک به‌ویژه گولن امری تقلیل‌گرایانه است؛ زیرا ارتباط رمزآلود و معنوی میان انسان و پروردگار را به حد ایدئولوژی تقلیل می‌دهد. او در این باره می‌نویسد: «مذهب رابطه‌ای میان مردم و پروردگار است. حس مذهبی در اعماق قلب زنده می‌ماند؛ چنانچه اشکال آن را نشان دهید، به معنای آن است که آن را خواهید کشت. سیاسی نمودن مذهب پیش از آسیب زدن به حیات حکومتی، به مذهب زیان می‌رساند».
۷	رابطه مسالمت‌آمیز دین و دموکراسی	از دیدگاه آنها اسلام و دموکراسی سازش‌پذیرند. دموکراسی مؤثرترین و شایسته‌ترین شکل حکومت در جهان امروزی است. آنها معتقدند دموکراسی و اسلام سازش‌پذیرند. ۹۵ درصد قوانین اسلامی به زندگی خصوصی و خانواده می‌پردازد و فقط پنج درصد از این قوانین به موضوعات دولت مربوط است و این می‌تواند تنها درون بستر دموکراسی مهیا شود.

ردیف	ویژگی	ملاحظات
۸	وجه اجتماعی بودن	آنها اهداف ویژه‌ای برای خود در جهت عدالت اجتماعی تعریف کرده‌اند و می‌کوشند وجه اجتماعی خود را حفظ کنند.
۹	سیاست‌های مشارکتی	در واقع اسلام آنها جنبشی سیاسی نیست، بلکه بیشتر صبغه اجتماعی دارد که قصدش تغییر قلوب و اذهان افراد برای تساهل پر دامنه، مسئولیت اجتماعی و مدرن‌سازی از طریق دستاوردهای آموزشی است. اندیشه آنها اساساً به ترویج علم و معرفت و فناوری میان مسلمانان همراه با تسامح و پذیرش تمام ادیان، دموکراسی قومی و لیبرالی تماماً در یک جا اعتقاد دارد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های گفتمان اسلام اجتماعی، پیوند اسلام و آموزش است. بر این مبنا، در جامعه ترکیه در برابر اسلام‌گرایی سیاسی، اسلام‌گرایی آموزشی مطرح است.

نتیجه

رابطه بین دنیای عرفان و دنیای سیاست همواره یکی از بحث‌انگیزترین مباحث بین متفکران و اندیشمندان بوده و هست. با توجه به اینکه در برخی از موارد صاحب‌نظران

از این رابطه با عنوان یک راه حل در اجتماع صحبت کرده‌اند، مناقشه بر میزان تأثیر این رابطه بیشتر شده است. کشور ترکیه در دنیای اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه توانسته است ضمن پذیرش قواعد و احکام اسلامی، مباحث مرتبط با مدرنیته و عدالت اجتماعی را نیز به خوبی پیش ببرد. بر اساس نظر برخی از صاحب نظران این امر ریشه در جریان‌های مختلف فکری و اعتقادی موجود در آن کشور دارد که یکی از آنها جریان تصوف و عرفان است. رابطه بین سیاست و عرفان در ترکیه کتمان‌نشده‌ای است. حلقه اتصال در اسلام اجتماعی ترکیه، اندیشه‌های دینی و عرفانی بدیع الزمان نورسی است؛ البته در این بین رخدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... نیز بی‌تأثیر نبوده‌اند. اندیشه‌های نورسی به نوعی احیاکننده تفکر اسلامی، دین‌شناسی و نظریه‌پردازی بوده است. همان‌طور که بیان شد خود نورسی نیز از تفکرات نقشبندیه تأثیر فراوانی می‌پذیرد و همین امر سبب شده است یک اجتماع دینی را با ساختار صوفی‌گری ترسیم کند. او کوشید با تغییرات و تحولات زمانه خود همگام شود و با استفاده از تفسیر پویا از عرفان و دین در شرایط بحرانی به شکل مطلوب عمل کند. در عرفان نورسی، رابطه بین شریعت و طریقت و همچنین نزدیکی به خدا با استفاده از ابزاری همچون واجبات دینی از اصول مهم به شمار می‌رود. طرفداران این اندیشه کوشیده‌اند با پیوند علم و دین و بیان پروژه‌های فکری متعدد، رابطه جدیدی از طریقت‌های تصوفی با جامعه اجتماعی مطرح کنند. نورسی تنها راه رسیدن به حقیقت را استفاده از قرآن می‌داند. طرفداران نورسی به‌ویژه گولن دشمنان امت اسلامی را جهل، فقر و تفرقه می‌دانند و معتقدند راه حل مشکلات فقط در جریان اسلام‌گرایی فرهنگی و اجتماعی و همچنین روشنگری عقلی و قلبی است. این نوع دیدگاه توانسته است طرفداران بی‌شماری را در ترکیه و حتی جهان اسلام به خود جلب کند.

کتاب‌نامه

- ارول قلیچ، محمود (۱۳۸۲ ش)؛ «تصوف در آسیای صغیر و بالکان»؛ در: دانشنامه جهان اسلام؛ ج ۷، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- ازدالگا، الیزابت (۱۳۸۹ ش)؛ نقش‌بندیه در آسیای غربی و مرکزی، تغییر و تداوم؛ ترجمه: فهیمه ابراهیمی؛ تهران: [بی‌نا].
- امام جمعه‌زاده، سید جواد و محمودرضا رهبر قاضی (۱۳۹۲ ش)؛ «تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه»؛ جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ش ۳.
- انتخابی، نادر (۱۳۹۲ ش)؛ دین، دولت و تجدد؛ تهران: هرمس.
- زارع، محمدرضا (۱۳۸۲ ش)؛ علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه؛ وی‌راستار: مرتضی قدیری؛ تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- سجادی، ضیاء‌الدین، احمد آشتیانی و کریم امیری فیروزکوهی (۱۴۲۳ ق)؛ مقدمات تأسیسه فی التصوف و العرفان و الحقیقة المحمدية؛ بیروت: دار‌الهادی.
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۸۹ ش)؛ «ماهیت‌شناسی جنبش اسلامی فتح‌الله گولن در ترکیه»؛ فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۴۳.
- قهرمان‌پور، عسگر (۱۳۹۰ ش)؛ «پدر اسلام سیاسی یا اجتماعی»؛ مهرنامه، ش ۱۰.
- کمالیان، عزیز و عباس صالحی نجف‌آبادی (۱۳۹۴ ش)؛ «رابطه عرفان و سیاست در اندیشه سیاسی با تأکید بر دولت امامت‌گرای عرفان‌محور اسماعیلیان نزاری (حسن صباح)»؛ فصل‌نامه علمی - پژوهشی عرفانیات در ادب فارسی، ش ۲۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ ش)؛ آشنایی با علوم اسلامی؛ ج ۲، قم: صدرا.
- موثقی گیلانی، احمد و امین اعتمادی فرد (۱۳۹۳ ش)؛ «زمینه‌های تفاوت اسلام‌گرایی در ایران و ترکیه»؛ دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام، س ۲، ش ۴.

نورالدین، محمد (۱۳۸۲ ش)؛ ترکیه جمهوری سرگردان؛ تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
نورسی، سعید (۱۳۹۶ ش)؛ مکتوبات؛ ترجمه داود وفایی؛ تهران: رساله.
نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۲ ش)؛ «فراز و فرود جریان‌های اسلامی در ترکیه معاصر و نسبت آن با انقلاب اسلامی»؛ پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۲.

References

- Entekhabi, Nader. 1392 Sh. *Dīn, dawlat va tajaddud*. Tehran: Hermes.
- Fallah, Rahmatollah. 1389 Sh. "Māhiyyat-shināsī-yi junbish-i Islāmī-yi Fethullah Gülen dar Turkiyyih." *Muṭāli'āt-i rāhburdī-yi jahān-i Islam* 11, no. 43: 205-22.
- Ghahramanpour, Asgar. 1390 Sh. "Pidar-i Islam-i siyāsī yā ijtīmā'ī." *Mihrnāmih*, no. 10.
- Kamalian, Aziz and Abbas Salehi Najafabady. 2015. "The Relation between Mysticism and Politics in Shia's Political Thought with Emphasis on the Nizari Ismailis' Imam-oriented Mysticism (Hassan Sabbah)." *Irḡāniyyāt dar adab-i Fārsī* 24, no. 6: 151-72.
- Kilic, Mahmut Erol. 1382 Sh. "Taṣavvuf dar Āsiyā-yi ṣaghīr va Balkan." In *Dānishnāmih-yi jahān-i Islām*. Vol. 7. Tehran: Foundation for Islamic Encyclopedia.
- Motahari, Morteza. 1373 Sh. *Āshnāyī bā 'ulūm-i Islāmī*. Vol. 2. Qom: Sadra.
- Movassaghi Gilani, Ahmad and Amin Etemadifard. 1393 Sh. "Zamīnih-hāyi tafāvut-i Islāmگیرāyī dar Iran va Turkiyyih." *Muṭāli'āt-i tārikhī-yi jahān-i Islām* 2, no. 4: 7-30.
- Norouzi Firouz, Rasoul. 1392 Sh. "Farāz va furūd-i jaryān-hāyi Islāmī dar Turkiyyih-yi mu'āṣir va nisbat-i ān bā inqilāb-i Islāmī." *Pazhūhishhāyi manṭaqi'ī*, no. 2: 15-48.
- Nouroddin, Mohammad. 1382 Sh. *Turkiyyih: jumhūrī-yi sargardān*. Tehran: Andisheh Sazan-e Noor Institute for Strategic Studies.
- Nursī, Said. 1396 Sh. *Maktūbāt*. Translated into Persian by Davood Vafae. Tehran: Resaleh.
- Ozdalga, Elisabeth. 1389 Sh. *Naqshbandiyya dar Āsiyā-yi gharbī va markazī, taghyīr va tadāvum*. Translated by Fahimeh Ebrahimi. Tehran: n.p.
- Sajjādī, Ḍiyā' al-Dīn, Aḥmad Āshtiyānī, and Karīm Amīrī Firūzkūhī. 1423 AH. *Muqaddimāt tāsiyya fi al-taṣawwuf wa-l-irfān wa-l-ḥaqīqat al-Muḥammadiyya*. Beirut: Dār al-Hādī.

- Seyed Javad Emam Jomezadeh, Mahmoud Reza Rahbar Qazi, Zohreh Marandi. 2013. "Developments in Identity Dialogs in Turkey, from Kemalism to Islamism: with an Emphasis on Justice and Development Party." *Journal of political sociology of the Islamic world* 1, no. 3 (January): 45-72.
- Zare, Mohammad Reza. 1382 Sh. *'Ilal-i rushd-i Islāmgirāyī dar Turkiyya*. Edited by Morteza Ghadiri. Tehran: Andisheh Sazan-e Noor for Strategic Studies.